

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در

مناطق‌ی از مشهد

بیتا باقری فام

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

احمد صادقی^۱

استادیار علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

مسعود ایمانیان اردبیلی

استادیار علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی تطبیقی دلایل ادامه زندگی مشترک در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند با ده سال زندگی مشترک است. حجم نمونه تحقیق شامل ۳۸ نفر (۱۵ نفر مرد و ۱۸ نفر زن) بوده که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند از بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند که بالاتر از ده سال سابقه زندگی زناشویی در مناطقی از مشهد دارند و با وجود عدم رضایت از زندگی زناشویی همچنان در ازدواجشان پایدار بودند، انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از روش تحلیل مضمون با کمک نرم افزار مکس کیودا استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عوامل مدیریتی، اقتصادی، مسئولیت‌پذیری، فشارهای جمعی، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت زناشویی به‌عنوان دلایل پایداری زندگی در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند می‌باشد و فرزندآوری منجر به ذکر دلایل متفاوتی در تداوم و پایداری زندگی مشترک شده است، بدین معنا که زوجین، مولفه‌های فرعی متفاوتی را در زیرمجموعه دلایل اصلی پایداری زندگی مشترکشان عنوان نموده‌اند.

واژگان کلیدی: زندگی مشترک، زوجین، فرزند، بررسی تطبیقی، پایداری زندگی

^۱ . نویسنده مسئول: asadeghi1528@gmail.com

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

A study on the reasons for the stability of married life of couples with and without children in some districts of Mashhad

Bita Bagherifam

PhD. Candidate, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Ahmad sadeghi²

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Masoud Imanian Ardebili

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Abstract

The present study compares the reasons for cohabitation in couples with and without children with ten years of cohabitation. The sample size of the research includes 38 people (15 men and 18 women), which was done based on the targeted sampling method among couples with children and without children who have been married for more than ten years in some areas of Mashhad, despite the lack of satisfaction with married life, they have been stable in their marriage. The method of collecting information is the interview. The thematic analysis method was used with the help of MAXQDA software to analyze information and data. The results showed that managerial, economic factors, responsibility, collective pressures, communication skills, and marital quality are the reasons for the stability of life in couples with and without children, and having children has led to the mention of different reasons for the continuity and stability of the joint life. It means that the couples mentioned different sub-components in the subset of the main reasons for the stability of their life together.

Key words: Married life, Couples, Child, Comparative analysis, Sustainability of marriage

مقدمه

خانواده مناسب‌ترین بستر فعلیت یافتن قابلیت‌ها و استعدادها و توانایی‌هایی انسان است و بخش‌های عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران و واکنش‌های عاطفی در آن شکل می‌گیرد (پولادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲). ازدواج مبنای

². Corresponding Author: asadeghi1528@gmail.com

شکل‌گیری خانواده است که خود جزو مهم‌ترین اتفاقاتی است که در طی زندگی فرد رخ می‌دهد. به عبارتی ازدواج یک رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ، به‌عنوان دو فرد منحصر به فرد است (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۴، ۱۰۳). ازدواج، اولین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (یوسفی و باقریان، ۱۳۹۰، ۲۸۹).

بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، پژوهشگران تلاش کرده‌اند، عواملی که، رضایت زناشویی را بهبود می‌بخشد و بر کارکرد خانواده تاثیر گذار است، را شناسایی کنند و ارتقاء دهند. ثبات ازدواج مفهوم گسترده‌ای است و به زوج‌هایی اشاره می‌کند که نه طلاق گرفته‌اند و نه به دنبال جدایی از یکدیگر هستند. ثبات ازدواج مفهومی عینی و قابل مشاهده است که با رضایتمندی و شادکامی زناشویی متفاوت است. در حالی که ثبات ازدواج یک ویژگی زوجی است و رضایتمندی یک ویژگی فردی. (نصیری ده‌سرخ و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۵). بنابراین از مهمترین دلایل پایداری خانواده، می‌توان به رضایت زناشویی اشاره نمود. عدم رضایت زناشویی، سلامت ازدواج را در معرض خطر قرار می‌دهد. زوجینی که رضایت زناشویی بالا داشتند و در بیشتر زمینه‌ها با هم مشورت می‌کردند، به یکدیگر احترام متقابل می‌گذاشتند. به‌صراحت به یکدیگر ابراز علاقه می‌کردند و رابطه‌شان را یک رابطه دوستانه معرفی می‌کردند و در کل از زندگی و رابطه با همسران‌شان راضی بودند (بهاری، ۱۳۹۴، ۱۲۷).

لوینگر^۳ (۱۹۶۵)، برای تشریح این که چرا برخی از ازدواج‌ها سالم و کامل باقی می‌مانند، ولی برخی از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند، نظریه تبادل اجتماعی را مطرح کرد. مطابق با نظریه لوینگر، افراد زمانی تمایل دارند در یک رابطه باقی بمانند که پاداش‌های دریافتی از رابطه زیاد و هزینه‌های صرف شده در رابطه اندک باشد. در این نظریه پاداش‌ها شامل جنبه‌های خوشایند رابطه همچون همدمی و همنشینی،

³ . Levinger

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

حمایت عاطفی، احساسات، روابط جنسی و کمک‌های روزانه است. و هزینه‌ها شامل جنبه‌های ناخوشایند رابطه همچون تلاش برای سازگاری، برخورد با پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی و کنار آمدن با عادت-های بد همسر است. (نصیری ده‌سرخ و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۹۸).

صاحب‌نظران، ادامه زندگی مشترک و کیفیت زندگی را انعکاسی از خواسته‌ها، امیدها و انتظارات افراد در ارتباط با شرایط کنونی و آینده می‌دانند. کیفیت زندگی به معنای برآورده شدن انتظارات و به تبع آن میزان رضایت از زندگی و ادامه‌ی زندگی مشترک است که در قالب شادمانی، سرزندگی و احساس خوشحالی بروز می‌کند. کیفیت زندگی، نیروی قدرتمندی است که نقش برجسته‌ای در راستای هدایت و سلامت و تندرستی افراد ایفا می‌کند (ویبها^۴ و دیگران، ۲۰۱۲، ۹۱). عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند، از جمله: حسن معاشرت در خانواده، نظم و انضباط، توجه به یکسانی در آفرینش، همکاری و همدردی، اندیشه تساوی میان مرد و زن، همکاری و همدردی، وجود روحیه مشورت در خانواده، دوستی و محبت، حفظ حرمت و شخصیت دیگران، صبر و پایداری زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، پرهیز از سوء ظن و آفت حسد، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، دوری از سخت‌گیری و اسراف و احسان به پدر و مادر (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۶۱). اینگلههارث^۵ رضایت فرد از کل زندگی را بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی، تاهل، داشتن فرزند و مانند آن‌ها می‌داند. (ساندرز^۶، ۲۰۱۰، ۱۶۷)

در عین حال یکی از وقایع مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان و داشتن فرزند است. چرا که این مسئله بر سبک زندگی و از آن مهم‌تر بر کیفیت زندگی موثر است و در این میان آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند این است که داشتن فرزند چه تأثیری بر تداوم و پایداری زندگی مشترک دارد. (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶۷) از سویی افزایش فروپاشی ازدواج‌ها یکی از چالش‌های اساسی

4 . Vibha

5 . Ingelhurt

6 . Saunders

زندگی خانواده در عصر کنونی است در کشور ما نیز آمار طلاق در حال افزایش است و بارور بودن یا نبودن زوجین عامل مهمی در این رابطه است با این حال با توجه به تعهدهای زودگذر و نرخ بالای طلاق در بین زوج‌ها، جالب است که هنوز برخی از زوج‌ها در واقع با رضایت و کیفیت بالایی به زندگی زناشویی خودشان نگاه می‌کنند و داشتن یک زندگی زناشویی شاد و با کیفیت بالا را همچنان به عنوان یک هدف بسیار مهم برای خود در نظر گرفته‌اند (کاوه فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۳) در دهه‌های اخیر هزاران زن و شوهر، در تمام مراحل ازدواج خود رنج می‌برند یا سعی می‌کنند به جای جدایی و طلاق با مشکلات ازدواج کنار بیایند (گیسون و میشل؛ ۷، ۱۹۹۰ به نقل از ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷، ۱۹۹) مسلم است که تمرکز بر این که چه دلایلی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود باعث به دست آمدن تصویری می‌شود که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد. با توجه به افزایش ازدواج‌های بی‌ثبات و افزایش آمار طلاق در کشور، کانون خانواده‌ها در خطر است (حسینی؛ ۱۳۹۰، ۴۸ و ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷، ۲۰۳) در همین راستا پژوهش حاضر در صدد آن است که دلایلی را که موجب می‌شود زوجین به زندگی مشترک خود علیرغم وجود مشکلات، ادامه دهند، در دو گروه دارای فرزند و بدون فرزند مورد بررسی تطبیقی قرار دهد زیرا بیشتر تلاش‌هایی که تاکنون صورت پذیرفته در خصوص علل طلاق بوده است ولی می‌توان با رویکردی معکوس به این مقوله نگریست، یعنی به جای شناسایی دلایل طلاق به دنبال دلایل پایداری زندگی باشیم، بنابراین می‌توان سوال کرد، دلایل پایداری زندگی زناشویی بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند چیست؟ از طرفی به جای علل که فقط یک رابطه علت و معلولی را بررسی می‌کند، به دلایل پرداختیم. برای شناسایی دلایل باید به ذهن افراد رسوخ کرد. با مصاحبه عمیق این اقدام انجام شده است.

دستاورد این طرح را می‌توان به مثابه ساعت شنی خانواده دانست که یکسوی آن طلاق و جدایی و سوی دیگر آن پایداری و تداوم زندگی است. لذا محقق با رویکردی معکوس، در صدد است با هدف پیش‌گیرانه، نه لزوماً تدافعی، به مسأله طلاق بپردازد و علاج واقعه قبل از وقوع را سرلوحه خود قرار دهد.

7. Gibson and Michelle

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

زیرا متأسفانه، در جامعه ما به علل طلاق توجه ویژه‌ای می‌شود و هزینه بسیاری به جلوگیری از طلاق در خانواده‌ها اختصاص می‌یابد؛ بنابراین بهتر است به‌جای مطالعه علل طلاق به مطالعه دلایل پایداری ازدواج پردازیم، شاید از این رهگذر بتوانیم ذهنیت زوجین دارای فرزند و بدون فرزند را بر تقویت علل پایداری زندگی، متمرکز کنیم؛ به‌جای آن‌که تمرکز آنان را، به‌صورت منفی، بر جلوگیری از طلاق و علل آن سوق دهیم. با کمک این رویکرد می‌توان به راحتی به‌جای رویکرد منفی، رویکرد مثبتی را فرا روی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند قرار داد و بدین طریق، نیاز اجتماعی جامعه به حفظ خانواده را به نیکوترین وجه پوشش داد.

ضرورت پرداختن به این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که نهاد خانواده شکل گرفته و پنج سال سرنوشت ساز خود را طی نموده‌است و واقعیت زندگی به زوجین بیش از پیش نمایان گردیده‌است و آگاهی و آموزش در این حیطه می‌تواند به‌جای صرف انرژی و سرمایه بیشتر و نگرانی و ترس از طلاق، به سمت پایداری زندگی مشترک زوجین کشیده شود و با ارائه مدل پایداری در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، می‌توان تفاوت پایداری و دوام زندگی‌های زناشویی را تعریف نمود. لذا سازمان‌های حمایت از خانواده و مراکز مشاوره‌ای می‌توانند بر اساس نتایج این رویکرد و مدل‌های استخراج شده، زوجین را به سوی تداوم و پایداری زندگی رهنمون سازند. با انجام تحقیقات این چنین می‌توان میزان ازدواج‌های باخطر بالا را کاهش داد (حسینی؛ ۱۳۹۰ و ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷). همچنین این موضوع گامی مهم در جهت سلامت خانواده و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه می‌باشد (خیری؛ ۱۳۹۴)؛ و از همه این‌ها مهمتر آن‌که، می‌توان رضایت و شادکامی و دوام از ازدواج‌های موجود را افزایش داد و از نابسامانی‌های خانوادگی و پیامدهای آن جلوگیری کرد (ندائی و همکاران؛ ۱۳۹۳).

پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

السون و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند خانواده با تولد فرزند ابعاد جدیدی می‌یابد. چراکه زوج‌ها پیش از تولد اولین فرزند، احساس شادکامی و رضایت بیش‌تر از زندگی زناشویی خود داشتند، با تولد فرزند این احساس کم می‌شود و در سال‌های میانی با بزرگ شدن فرزندان، مجدداً افزایش می‌یابد. چنین

تغییراتی بر اساس الگو و ریخت‌شناسی زوج‌ها در مطالعات برایان (۱۹۹۸) نیز مورد مطالعه قرار گرفته و تایید شده است.

کاظمیان در پژوهشی نشان داد که وجود فرزند بر افزایش صمیمیت زناشویی تاثیرگذار است (کاظمیان؛ ۱۳۹۷). منگا^۹ (۲۰۰۴) پژوهشی در زمینه بررسی رابطه میان صمیمیت، رضایت زناشویی و الگوهای تعاملات زناشویی با وجود یا نبود فرزند در خانواده‌های دارای فرزند و بدون فرزند را به صورت کمی انجام داد. نتایج نشان داد رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری با وجود فرزند دارد (قزلباشیان و عارفی، ۱۳۹۴، ۳۶۲). یوسفی و باقریان نیز (۱۳۹۰) در نتایج پژوهش کمی قزلباش و عارفی (۱۳۹۴) درباره زنان و مردان دارای فرزند و بدون فرزند نشان داد که باروری و وجود فرزند، باعث گرمی و صمیمیت بیشتر رابطه زناشویی می‌شود. هرچند آسیب ازدواج بر اساس نتایج این پژوهش، روزمرگی است و با گذر زمان از صمیمیت رابطه کاسته می‌شود. به طور کلی در افراد، بین صمیمیت زناشویی و طول مدت ازدواج رابطه منفی وجود دارد. پژوهش مدیری و قاضی طباطبایی (۱۳۹۷) در بین ۱۲۳۲ نمونه زنان زیر ۴۹ سال دارای فرزند و بدون فرزند نشان می‌دهد که کیفیت زندگی زناشویی بالاتر، در خروج از بی‌فرزندی و تک فرزندی اثرگذار است. همچنین نتایج تحقیق، تاییدکننده تئوری‌های تأثیر مثبت کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری بوده و افراد متأهل در شهر تهران از فرزندآوری به عنوان استراتژی برای بهبود زندگی زناشویی استفاده نمی‌کنند.

کلارک^{۱۰} و دیگران (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی بین زوجین به بررسی شادکامی زوج‌ها قبل و پس از رویدادهای مهم زندگی پرداختند و به این نتایج دست یافته‌اند که یکی از این رویدادهای اثرگذار در شادکامی زوجین و از جمله زنان، تولد فرزند بوده است. لینالا^{۱۱} در فنلاند، ۱۴۰۲ فرد ۲۵ تا ۴۲ ساله بدون

⁸ . Bryan, A. A.

⁹ . Monga

¹⁰ . Clark

¹¹ . Lainiala

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

فرزند یا تک فرزند را مورد بررسی قرار داده است. او کیفیت زندگی زناشویی افراد را در سال ۲۰۰۸ سنجیده و فرزندآوری ایشان را در سال ۲۰۱۱ بررسی کرده است. نتایج تحقیق او نشان داده‌است، مردان بدون فرزند که کیفیت زناشویی متوسط و بالا داشتند با احتمال بیشتری صاحب فرزند شده‌اند. مردان با کیفیت زندگی زناشویی متوسط که فرزند دارند به احتمال بیشتر، صاحب فرزند بیشتر شده‌اند. کیفیت زندگی زناشویی، فرزندآوری زنان بدون فرزند را به دو صورت شکل داده است. کیفیت بالای زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری زنان بدون فرزند تأثیر مثبت داشته است. همچنین زنان با کیفیت زناشویی متوسط و بالا و داشتن یک فرزند، با احتمال بیشتری صاحب فرزند شده‌اند. (لینالا، ۲۰۱۱، ۴۱) و اناسج^{۱۲} و دیگران (۲۰۱۳) به این نتایج اشاره کرده‌اند که شادکامی زنان دارای فرزند، بیشتر از شادکامی زنانی بوده است که فرزندی نداشته‌اند. زائویانگ^{۱۳} و دیگران (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که رضایت زناشویی، نقش مهمی در سلامت روان زن و مرد و همچنین میزان کارکردهای به‌هنجار خانواده ایفا می‌کند.

سوال تحقیق

چه دلایلی موجب می‌شود زوجین به زندگی مشترک خود ادامه دهند؟ تفاوت میان دلایل ادامه زندگی مشترک زوجین دارای فرزند با زوجین بدون فرزند که ده سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد در چیست؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت آن در لزوم دسترسی به اطلاعات دقیق و دلایل اصلی و ریشه‌ای پایداری از روش‌های کیفی که در آن بر تعامل با مشارکت کنندگان و فهم دیدگاه‌ها، معانی، بافت یا موقعیت آن‌ها تکیه دارد، استفاده نموده است. از آنجایی که هدف این پژوهش علاوه بر شناخت دلایل، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دلایل در بین زوجین دارای فرزند و زوجین بدون فرزند می‌باشد، به بررسی تطبیقی این دلایل نیز پرداختیم. روش تحقیق تطبیقی یا مقایسه‌ای یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش

¹² . Vanassche

¹³ . Zhaoyang

در حوزه مسایل علوم اجتماعی است و مبتنی بر فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها است. این روش در حوزه مطالعات اجتماعی مورد توجه امیل دورکیم است. از دیدگاه او جامعه‌شناسی بدون مطالعات تطبیقی نمی‌تواند به عنوان شاخه علمی بیان گردد و مطالعات تطبیقی با بهره‌گیری از دو سنت کمی و کیفی به لحاظ راهبردی یا استراتژی مبتنی بر دو راهبرد قیاسی و استقرایی است. آنچه مسلم است، با توجه به این‌که ما در این پژوهش به دنبال کشف دلایل هستیم روش کیفی استقرایی به کارگیری شده است. حجم نمونه تحقیق بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع‌پذیری (تا رسیدن به نتایج یکسان) انجام گرفته است که، شامل ۳۸ نفر (۱۵ نفر مرد و ۱۸ نفر زن) بر حسب دو گروه زوجین دارای فرزند و زوجین بدون فرزند با ده سال سابقه زندگی مشترک در مشهد است. روش گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه است. در این روش بیش از سایر روش‌ها به «مصادق‌نمایی» و تبیین مصادیق عینی نیاز است. میانگین زمانی مصاحبه‌ها بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت بود برای تعیین پایایی از مصاحبه‌های عمیق بر اساس سوالات پرسشنامه باز که به تایید اساتید فن رسیده است، استفاده شد و با توجه به سابقه کاری محقق در حوزه خانواده، می‌توان پایایی تحقیق را از دیدگاه کرسول مناسب ارزیابی نمود. برای رسیدن به معیار روایی و قابلیت اعتماد از تکنیک‌های متعارف و مرسوم استفاده گردید. اول کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش بعد از کدگذاری اولیه، باید متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌گرفت، که با توجه به عدم شناسایی مشارکت‌کنندگان، از این روش صرف نظر گردید، اما با این وجود خروجی کدگذاری شده به برخی افراد قابل شناسایی ارائه گردید و صحبت‌ها و متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تایید نمود. گام دوم استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه تحلیل مضمون، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

برای سازماندهی فرایندهای ساخت یافته جهت ثبت اطلاعات از ضبط مصاحبه‌های انجام شده با رضایت مصاحبه‌شوندگان استفاده شده است و از روش تحلیل تماتیک یا مضمونی برای تحلیل متن مصاحبه‌ها استفاده شده است. این روش یک روش کلاسیک برای تحلیل متن به شمار می‌رود. و روشی

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

است برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و معمولاً برای مجموعه‌ای از متون پیاده شده مصاحبه یا بحث گروهی استفاده می‌شود. محقق داده‌ها را از نزدیک بررسی می‌کند تا مضامین یا تم‌های مشترک و الگوهای معنایی را که، مکرر مطرح می‌شود، شناسایی کند. یک فرآیند 6 مرحله‌ای را در این گام طی نمودیم، شامل: آشنایی، کدگذاری، تولید مضامین یا تم، بررسی تم‌ها و تعریف و نامگذاری آن‌ها که، در این پژوهش منتج به 6 تم اصلی و 21 تم فرعی گردید بدین صورت که بعد از هر مصاحبه متن مصاحبه‌ها با استفاده از عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگر بررسی گردید. کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنی در یک طبقه قرار گرفتند و طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شد تا خواص و روابط مشترک بین آن‌ها شناسایی شود، سپس حول محور مشترکی قرار گرفت و طبقات وسیع‌تری را تشکیل داد. در این مرحله بررسی کردیم که، آیا می‌توان کدها را مختصرتر نمود و آن‌ها را با هم ترکیب کرد و آیا می‌توان مضامین یا تم‌های جدیدی را بدست آورد؟ در مرحله نامگذاری، یک نام قابل درک برای هر یک از تم‌ها انتخاب نمودیم. نتیجه نهایی در جدول 8 جمع بندی گردید و در هر یک از جداول 2 تا 7 نمونه از مصادیق شناسایی و هر یک از تم‌ها عنوان شده است.

یافته‌ها

میانگین سنی مردان 40 سال و زنان 36 سال و میانگین اختلاف سنی بین زوجین حدود 5 سال بوده است. بیشترین تعداد فرزند در زوجین دارای فرزند 3 نفر بوده است و اغلب مشارکت کنندگان در مشاغل علمی و کارمند بوده اند.

تحلیل مضمون مصاحبه‌های به دست آمده از شرکت کنندگان در خصوص دلایل زمینه ساز ادامه زندگی مشترک بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، منجر به استخراج 6 تم اصلی «مدیریت و تصمیم‌گیری، عوامل اقتصادی، فشار جمعی محیطی، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت زناشویی» گردید که در ادامه به تفصیل بیان شده است.

جدول (۱) مقوله بندی تم‌های اصلی محور تحقیق

موضوع	ردیف	تم اصلی
دلایل پایداری زندگی مشترک با 10 سال قدمت	1	مدیریت و تصمیم‌گیری
	2	عوامل اقتصادی
	3	فشار جمعی محیطی
	4	مسئولیت‌پذیری
	5	مهارت‌های ارتباطی
	6	کیفیت زناشویی

تم اصلی ۱: مدیریت و تصمیم‌گیری؛

تمامی زوجین در این پژوهش (n=38) در مورد مدیریت و تصمیم‌گیری به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر نحوه مدیریت و تصمیم‌گیری مشترک و حل تعارضات در گذر زمان به‌صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی، موثر شناسایی کرده بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده است، که در جدول (2) ارائه گردیده است:

مدیریت و تصمیم‌گیری مشتمل بر تصمیم‌گیری، مدیریت تعارضات خانوادگی، نگرش مثبت به مشکلات، تعقل و اندیشه و نیز آینده‌نگری در پایداری زندگی زناشویی اهمیت زیادی دارد؛ به‌طوری‌که در پژوهش حاضر، بیشتر زنان و مردان مشارکت‌کننده به این مهم اذعان نموده و آنرا عاملی کنترلی برای گرایش به ادامه زندگی عنوان نموده‌اند. جدول ذیل تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی «مدیریت و تصمیم‌گیری» را به همراه نمونه‌هایی از مصادیق مربوطه نشان می‌دهد.

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

جدول ۲. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مدیریت و تصمیم‌گیری

نمونه مصادیق	زوجین دارای فرزند	زوجین بدون فرزند	تم فرعی	تم اصلی	محور
یکی از زوجین باید مدیریت کند و تصمیم‌گیری نهایی را بکند و دیگری باید مدیریت او را بپذیرد.	22.2%	23.1%	تصمیم‌گیری مشترک	مدیریت و تصمیم‌گیری	علل زمینه‌ساز پایداری زندگی زوجین
«من و همسرم به سبب این‌که فرزندی نداریم، نمی‌توانیم مدت‌های زیادی باهم قهر و ناراحت باشیم و مجبوریم زودتر درگیری‌های خود را بایکدیگر حل کنیم و گرنه زندگی سخت‌تر می‌شود (شرکت‌کننده 16، مرد، 39 ساله)»	11.1%	23.1%	مدیریت تعارضات		
چند سال است که با همسرم زندگی می‌کنم، اصلاً به فکر زندگی نیست، و یکی از دلایلی که تمایل به فرزند ندارد هم همین است ولی به نظر من اصلاً مرد زندگی نیست (شرکت‌کننده 11، زن، 40 ساله)»	33.3%	30.8%	آینده‌نگری		
«نمی‌توانم تحمل سختی از زندگی را در نظر بگیرم، طبیعتاً زن و زندگی خرج دارد و بچه‌ها مشکلات خاص خودشان را دارند (شرکت‌کننده 1، مرد، 40 ساله)»	22.2%	15.4%	نگرش به زندگی در تحمل سختی		
با همسرم به مسافرت کوتاهی رفته بودیم و در میان برف گیر کردیم، مینی‌بوس را مجبور شدیم ترک کنیم، به همسرم گفتم کوله را بردار که ممکن است غذا نداشته باشیم و ماشین درست نشود، اما همسرم توجه نکرد و متأسفانه تا شب گرسنه ماندیم چون ماشین تعمیر نشد و ما پیاده روی تا روستا داشتیم، در هیچ موردی در زندگی عاقلانه تصمیم نمی‌گیرد (شرکت‌کننده 10، زن، 37 ساله)	11.1%	7.7%	تعقل در انتخاب		
	100.00	100.00	SUM		
	22	15	N = Documents		

مطابق نتایج تحلیل محتوا، مشخص شد بیشتر زوجین دارای فرزند و بدون فرزند معتقدند که آینده نگری، با ۳۳ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است ولی در زوجین دارای فرزند، مدیریت و نگرش به تحمل سختی‌های زندگی و مدیریت و تصمیم‌گیری، با ۲۲ درصد، بیشترین زمینه‌سازهای این عامل در ثبات و تداوم زندگی مشترک بوده است. در حالی که درصد فراوانی‌ها در بین زوجین بدون فرزند نشان داد که آنان معتقدند مدیریت تعارضات و تصمیم‌گیری، دومین عامل مهم در پایداری زندگی می‌باشد.

تم اصلی ۲: عوامل اقتصادی

علاوه بر عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی نیز بر تداوم زندگی مشترک زنان و مردان دارای فرزند و بدون فرزند مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده بودند، در تم‌های فرعی زیر مشخص شده است که در جدول (۳) ارائه گردیده است: کدها و طبقات جدول (۱) در خصوص عوامل اقتصادی که زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده پایداری زندگی مشترک بوده‌اند از طریق مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت کنندگان به دست آمد که بیانگر آن است که بخشی از عوامل اقتصادی نظیر درآمدهای پایدار، توان اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تمکن مالی، هر یک از زن و مرد، با وجود فرزند به عنوان مکمل‌های ادامه زندگی مشترک شناسایی شده است. اکثر مصاحبه‌کنندگان جدایی را برابر با زیان اقتصادی هنگفت دانسته‌اند و معتقد بودند با مدیریت و گذشت بهتر می‌توان بر قدرت اقتصادی افزود. بنابراین در بین زنان و مردانی که دارای ده سال سابقه زندگی مشترک و بیشتر بوده‌اند علیرغم مشکلات، ادامه زندگی مشترک را به صلاح خودشان می‌دانسته‌اند.

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

جدول ۳. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی عوامل اقتصادی

محرور	تم اصلی	تم فرعی	زوجین بدون فرزند	زوجین دارای فرزند	نمونه مصادیق
علل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین	علل اقتصادی	هزینه های اقتصادی	25.0%	0	«حق طلاق با مرد است و زن هیچ حقی ندارد و اگر بخواهم ثابت کنم هزینه زیادی داره»، (شرکت کننده شماره 11، زن 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک و ...)
		ثروت	0	16.7%	«اگر از همسرم به خاطر مشکلات جدا شوم تمام زندگی که جمع کرده‌ایم از هم می‌باشد» (شرکت کننده شماره 8، مرد 39 ساله با 12 سال زندگی مشترک)
		SUM	100.00	100.00	
		N = Documents	17	3	

نتایج تحلیل محتوا توسط تحلیلگران، نشان داد که بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که ثروت، با ۱۷ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است ولی در زوجین بدون فرزند عوامل هزینه‌های اقتصادی، با ۲۵ درصد، از بیشترین زمینه سازهای این عامل در ثبات و تداوم زندگی مشترک بوده‌است.

تم اصلی ۳ : فشار جمعی محیطی

تعدادی از افراد مشارکت کننده دارای فرزند، وجود عقاید و باورها به ادامه زندگی مشترک را، بر اساس نسبت‌های قومیتی و تناسب فرهنگی، برای حفظ حیثیت و آبرو، در نگهداشت زندگی مشترک به سبب عامل اصلی فشار جمعی ناشی از محیط اجتماعی بیان داشته‌اند. تاثیر محیط اجتماعی بر پایداری و آرامش زندگی مشترک، امری انکارناپذیر است که زنان و مردان دارای فرزند به آن اذعان نموده‌اند.

جدول ۴. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی فشار جمعی و محیطی

مصادیق	زوجین دارای فرزند	زوجین بدون فرزند	تم فرعی	تم اصلی	محور
«می‌ترسم بعدها سرزنش‌کننده» (شرکت‌کننده شماره 10، مرد 38 ساله با 10 سال زندگی مشترک و ...)	28.6%	33.3%	سرزنش اجتماعی	فشار جمعی و محیطی	عقل زمینه‌ساز پایداری زندگی زوجین
«خانواده‌ی همسرم دخترشان را به ادامه زندگی تشویق می‌کنند و می‌گویند تو زندگی‌ت را تباه نکن» (شرکت‌کننده شماره 4، مرد 43 ساله با 14 سال زندگی مشترک و ...)	42.9%	16.7%	توقعات اجتماعی و حیثیتی		
خانواده همسرم شهرستانی هستند و پدرشوهرم متولد روستا بوده و من اصلاً به این موضوع توجه نکرده‌بودم و حتی همسرم متولد درگز بوده (شرکت‌کننده شماره 9، زن، 33 ساله)	28.6%	50.0%	تناسب فرهنگی		
	19	15	N = Documents		

مطابق نتایج تحلیل محتوا مشخص شد، بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که وجود توقعات اجتماعی و حیثیتی، با ۴۳ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است و سپس فشار جمعی محیطی مانند عرف و تناسب فرهنگی، با ۲۸ درصد، دومین عامل پایداری خانواده قلمداد شده‌است ولی در زوجین بدون فرزند عامل تناسب فرهنگی، با ۵۰ درصد، منجر به تداوم زندگی شده‌است و سپس فشار جمعی و محیطی با ۳۳ درصد منجر به ادامه زندگی می‌شود.

تم اصلی ۴: مسئولیت‌پذیری

بیشتر مصاحبه‌شوندگان زن و مرد، میزان مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل پایداری زندگی مشترک عنوان نموده‌اند. مسئولیت‌پذیری توسط مصاحبه‌شوندگان شامل مسئولیت نسبت به خود و دیگران، پاسخگویی نسبت به وظایف پذیرفته شده در قبال خود و دیگران، احساس تعهد و وجدان در

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

مقابل کوتاهی‌ها و حل مشکلات و مسائل زندگی مشترک و احساس مسئولیت و تعهد نسبت به فرزند را، بر ادامه زندگی مشترک تاثیرگذار دانسته‌اند.

جدول ۵. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مسئولیت پذیری

محرور	تم اصلی	تم فرعی	زوجین بدون فرزند	زوجین دارای فرزند	نمونه مصادیق
علل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین	مسئولیت پذیری	مسئولیت نقش	40.0%	25.0%	«من مطابق شرع با همسرم ازدواج کردم و مطابق همان شرع او باید کارکنم و مخارج زندگی را تامین کند نه این که چون یک شیفت کار می‌کند بگوید مسئولیت من تمام شده (شرکت کننده 13، زن، 29 ساله)»
		تعهد پذیری	30.0%	50.0%	گوشی همسرم را دیدم که از شش ماه پیش در آن مباحث جنسی در قسمتی ذخیره شده بود در حالی که ما مشکل داریم، به اون گفتم که برای من که نفرستادی پس برای چی ذخیره کردی؟ (شرکت کننده 10، زن، 37 ساله)»
		وجود فرزند	30.0%	25.0%	«چندبار به طلاق فکر کردم، اما به خاطر بچه‌ها به زندگی ادامه می‌دهم، (شرکت کننده شماره 12، مرد 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک) من و همسرم چندین سال است که باهم زندگی می‌کنیم، ولی فرزندی نداریم، چندین بار می‌خواستم جدا شوم اما مادرم می‌گوید شاید صاحب فرزند شدید (شرکت کننده 15، زن، 31 ساله)
		N = Documents	16	21	

بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که وجود تعهدات را، با ۵۰ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی و سپس انجام مسئولیت‌ها و وجود فرزند، با ۲۵ درصد، دومین عامل پایداری خانواده قلمداد شده‌است. ولی در زوجین بدون فرزند عامل انجام مسئولیت‌ها، با ۴۰ درصد، را مهمترین عامل تداوم زندگی دانسته‌اند و سپس فرزندآوری، با ۳۰ درصد، منجر به ادامه زندگی می‌شود.

تم اصلی ۵: مهارت‌های ارتباطی

تمامی زوجین در این پژوهش (n=38) در مورد مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر نحوه برقراری ارتباطات در گذر زمان به‌صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده‌بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده‌است که در جدول (۶) ارائه گردیده‌است:

جدول ۶. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مهارت‌های ارتباطی

محرور	تم اصلی	تم فرعی	زوجین بدون فرزند	زوجین دارای فرزند	نمونه مصادیق
علاقمندانه ساز پایداری زندگی زوجین	مهارت‌های ارتباطی	مهارت‌های گفتاری	0	12.5%	خسته شدم از بس وقتی مشکلات زندگی را با همسرم درمیان می‌گذارم تنها چیزی که دریافت می‌کنم سکوت است و این شرایط را بدتر می‌کند (شرکت کننده شماره 9 زن، 33 ساله)
		اعتماد	20.0%	12.5%	بیشتر اوقات احساس می‌کنم، همسرم در مورد ارتباط با خانواده خودش و مادرش هیچ اعتمادی به من ندارد، گمان می‌کنم همسرم تحت تاثیر مادرش به‌صورت پنهان به زندگی مان پوشش می‌دهد و اصلا من را قبول ندارد و به همین سبب دل‌سردم تا با او صحبت کنم (شرکت کننده شماره 11، زن، چهل ساله)
		گذشت	40.0%	12.5%	همسرم فقط کافی ست کوچکترین خطایی نسبت به مادرش انجام شود، به‌خاطر مشکلاتی که با مادرش داشته‌ام، به‌شدت خشمگین می‌شود طوری که من تحمل خود را از دست می‌دهم و اصلا حوصله ندارم (شرکت کننده شماره 8، مرد، 39 ساله)
		اخلاق	20.0%	25.0%	«با وجودی که خیلی از اوقات بدخلقم اما همسرم با مهربانی و حسن ارتباط طوری برخورد می‌کند که ناخودآگاه می‌نشینم و سعی می‌کنم به زندگی بهتر فکر کنم» (شرکت کننده شماره 4، مرد 38 ساله با 10 سال زندگی مشترک)
		درک متقابل	20.0%	37.5%	«دیگر طاقتم تمام شده‌است بعد از سال‌ها زندگی متعجبم که چرا نوبت من که می‌شود باید شرایط همسرم را درک کنم و قهر نکنم ولی این در مورد من صدق نمی‌کند (شرکت کننده 18؛ مرد، 44 ساله)

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

		SUM	100.00	100.00	
		N = Documents	14	23	

توجه به نتایج حاصله از تحلیل مضمون مشخص کرد، بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند، درک متقابل و سپس اخلاق، به ترتیب با ۳۷ و ۲۵ درصد، مهمترین عامل مهارت‌های ارتباطی موثر در تداوم زندگی است ولی در زوجین بدون فرزند، عامل گذشت، با ۴۰ درصد، مهمترین عامل ارتباطی در تداوم زندگی شده‌است.

تم اصلی ۹: کیفیت زناشویی

تمامی زوجین در این پژوهش ($n=38$) در مورد کیفیت زناشویی به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر کیفیت زناشویی در گذر زمان به‌صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده‌بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده‌است که در جدول (۶) ارائه گردیده‌است.

ارضای نیازهای زناشویی اعم از روابط زناشویی، عشق و محبت، ارزشمندی و احترام متقابل از اهمیت زیادی برخوردار است و بیشتر زنان و مردان مشارکت کننده آن را عاملی برای عدم گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نموده‌اند، هرچند برای هر دو گروه داری فرزند و فاقد فرزند، فقدان عشق و علاقه یک خلاء مهم در روابط زناشویی محسوب می‌شد، اما برای مردان و زنان با بیش از ده سال سابقه زندگی مشترک و دارای فرزند، درک علاقه همسر و ابراز علاقه از راه‌های مختلف و مستمر توسط همسر، حائز اهمیت می‌باشد.

جدول ۷. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی کیفیت زناشویی

نمونه مصادیق	زوجین دارای فرزند	زوجین بدون فرزند	تم فرعی	تم اصلی	محور
راستش را بگویم، با وجود مشکلات زیادی که با همسرم دارم زمانی که به شدت ناراحتم و او سمت من می‌آید قادر به برقراری رابطه با اون نیستم اما وقتی راضی‌ام می‌کند تمام مشکلات را فردا فراموش می‌کنم (شرکت کننده 13، زن، 33 ساله)	0	16.7%	کیفیت زناشویی	کیفیت زناشویی	علل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین
«یکی از کارهایی که موقع مشکلات به‌نوعان زن یاد گرفتم انجام بدهم زمانی که همسرم بشدت از دستم ناراحت است، این است که خودآرایی کنم و مقابلش ظاهر شوم (شرکت کننده 9، زن، 33 ساله)	0	0	جذابیت های ظاهری		
«همسرم فکر می‌کنه رابطه جنسی باید در تاریکی انجام بشه و کار زشتی هست» (شرکت کننده شماره 12، مرد 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک)	25.0%	16.7%	احترام متقابل به خواسته‌ها		
«عاشق همسرم بودم که با او ازدواج کردم علیرغم مخالفت خانواده ام توانستم آنان را راضی کنم، اکنون با وجود این که صاحب فرزندی نیستیم اما هنوز هم دوست ندارم به زندگی مشترکمان پایان دهم» (شرکت کننده شماره 1، مرد 40 ساله با 11 سال زندگی مشترک)	75.0%	66.7%	عشق		
دیگر علاقه و عشقی به همسرم احساس نمی‌کنم که بتوانم زندگی با اون را ادامه دهم، به‌نظرم او فقط به خودش فکر می‌کند و در تمام این سال‌ها اشتباه کردم. (شرکت کننده 17، زن، 35 ساله)					
	100.00	100.00	SUM		
	23	13	N Documents		

بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند، عشق، با ۷۵ درصد، و سپس احترام متقابل به خواسته‌های زناشویی، با ۲۵ درصد، مهمترین عامل کیفیت زناشویی موثر در تداوم زندگی است؛ ولی در زوجین بدون فرزند عامل عشق، با ۶۶ درصد، مهمترین عامل ارتباطی در تداوم زندگی شده‌است.

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

جدول ۸. دلایل شناسایی شده ادامه زندگی مشترک بین زوجین

تم اصلی	تم فرعی	کدها
تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری	به موقع تصمیم گرفتن، رضایت از تصمیمات، شرایط تصمیم‌گیری مطلوب
	مدیریت تعارض	حل مساله، نحوه برخورد مطلوب با اختلاف سلیقه
	آینده‌نگری	نگاه به آینده و تاثیر تصمیمات بر زندگی آینده خانواده و فرزندان
	نگرش به زندگی	نگرش مثبت به مشکلات در خانواده، بزرگ نکردن مشکلات، هیچ موضوعی غیرقابل حل نیست، هدفمندی در زندگی
	تعقل در انتخاب	تمرکز بر اهداف زندگی مشترک، فکر کردن به نتایج کارها و تصمیمات
	وضعیت اقتصادی	اشتغال پایدار، درآمد پایدار، توان اقتصادی خانواده، سرمایه‌گذاری‌های مشترک
عوامل اقتصادی	ثروت	بدنه اقتصادی خانواده، سرمایه و دارایی‌ها
	سرزنش اجتماعی	عرف جامعه مانند قبح طلاق و جدایی و وجود سرزنش اجتماعی
	توقعات اجتماعی و حیثیتی	انتظارات خانواده‌های کلان، حفظ آبرومندی، وجاهت اجتماعی در نظر مردم
تناسب فرهنگی	تناسوب فرهنگی	قومیت مشترک، تعلقات مذهبی و فرهنگی، همشهری بودن، آداب و رسوم مشترک
	مسئولیت‌نقش	احساس مسئولیت داشتن، انجام عمل مسئولانه، پاسخگویی در مقابل اشتباهات
	تعهد‌پذیری	احساس روانی تعهد داشتن، احساس عذاب وجدان، انجام اعمال تعهد‌آور
مسئولیت‌پذیری	داشتن فرزند	بیان علت این‌که به دلیل فرزندآوری بایستی به زندگی ادامه داد
	مهارت‌گفتاری	ارتباط گرم و صمیمی، ارتباط مثبت، انجام ارتباطات متقابل، نحوه بیان ارتباطات
	اعتماد اجتماعی	میزان اعتماد به گفتار و رفتار فرد
مهارت‌های ارتباطی	گذشت و فداکار	گذشت از کمبودها و نقایص و نادیده گرفتن مشکلات
	اخلاق	خوش‌خلقی، نیک‌اندیشی
	درک متقابل	توانایی حل مساله، مشورت، در میان گذاشتن مساله جهت حل مساله، گرفتن تصمیمات تفاهم‌آمیز، همدردی
کیفیت زناشویی	جذابیت‌های زناشویی	رضایت از تناسب اندام، رضایت از ظاهر و پوشش، توجه کافی به ابعاد زناشویی
	احترام متقابل	رعایت حریم خصوصی، رعایت ادب در کلام، پاسخگویی مطلوب و متقابل
	عشق	علاقه و محبت داشتن

اکنون می‌توان در جمع‌بندی نهایی تحلیلی محتوای تحقیق حاضر، به‌صورت خلاصه در جدول (۸) علل پایداری زندگی زناشویی را ارائه نمود. لازم به ذکر است که جهت درک بهتر تحلیل مضامین محتوای مصاحبه‌های انجام شده شرح کدهای شناسایی شده جهت درک بهتر ارائه شده‌است.

بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که زوجین دارای فرزند با زوجین بدون فرزند عوامل متفاوتی را برای تداوم زندگی خویش عنوان نموده‌اند. بیشتر زوجین دارای فرزند، آینده‌نگری، توقعات اجتماعی و حفظ آبرو، میزان تعهد‌پذیری، درک متقابل و عشق و محبت را عامل تداوم زندگی دانسته‌اند. زوجین بدون فرزند، آینده‌نگری، عامل اقتصادی، تناسب فرهنگی، انجام مسئولیت‌ها و گذشت و وجود عشق و محبت را به‌عنوان مهمترین عوامل تداوم زندگی مشترک برشمرده‌اند. این تفاوت‌ها به انتظارات متفاوت زوجین دارای فرزند و بدون فرزند اشاره می‌کند. نتایج تحقیق نصیرده سرخی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داده است که به‌طور کلی عوامل پاداش‌دهنده در جهت راهبردهایی که افراد برای نگهداری زندگی مشترک شان به کار می‌گیرند، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. همچنین می‌توان راهبردها را به منظور افزایش و بهبود کیفیت، رضایت و ثبات زندگی مشترک زوجین به کار گرفت. نتایج این تحقیق در سطحی کلی تر نسبت به جزئی‌نگری تحقیق حاضر انجام گرفته است که می‌توان تحقیق حاضر را به‌نوعی مکمل این تحقیق قلمداد نمود. در گاهی (۱۳۹۷) نیز در بررسی تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی دریافت، اشتغال زنان تحصیل کرده در ایران، با کاهش مشقت اقتصادی، باعث ثبات بیشتر خانواده شده‌است. در این تحقیق نیز ملاحظه می‌شود، زوجین بدون فرزند با این مسأله کاملاً موافق بوده‌اند. نتایج تحقیق حاتمی و رزانه (۱۳۹۴) نشان داد که در الگوی زندگی پایدار، هر چه عوامل محدود‌کننده بیشتر باشد، استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی توسط افراد کاهش می‌یابد. این عوامل محدود‌کننده فرزندان، وابسته بودن، تنهایی در آینده، بدنامی، ومانند این، شناسایی شده‌اند. زندگی‌های پایدار عموماً دارای رضایتمندی بیشتری در عواملی نظیر: عشق، تعلق خاطر، وقت گذاشتن برای یکدیگر، حریم‌سازی زوجی کارآمد، کمک به یکدیگر در ایفای نقش، ارتباطات مطلوب، تصمیم‌گیری مؤثر هستند و این موارد، از

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

عمده ترین عوامل تداوم ازدواج شناسایی شده‌اند و مؤید نتایج تحقیق حاضر می باشد؛ چرا که بر اساس نتایج تحلیل محتوا در این تحقیق نیز در خصوص تم اصلی زناشویی یا مهارت‌های ارتباطی به این موضوعات اشاره گردیده‌است. زارع و صفیاری (۱۳۹۴) نیز در نتایج تحقیق خود نشان دادند که میزان عشق و علاقه زوجین به یکدیگر در حدود ۴۰ درصد از تداوم زندگی مشترک را تضمین می‌کند که، نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیق حاضر در هر دو گروه زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، همخوانی داشته است. خالدی (۱۳۹۳) نیز در تحقیقی در خصوص عوامل پایداری زندگی زوجین نشان داد، مولفه‌هایی مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد، نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشتند.

نتیجه‌گیری

خانواده یک گروه طبیعی و اولیه است که با هدف رفع نیازهای اساسی افراد شریک در آن شکل می‌یابد. هر خانواده حداقل از دو نفر تشکیل می‌شود. این دو نفر شخصیت‌هایی با شعور و صاحب فهم و آگاهی تصور می‌شوند که تصمیم‌گیری‌هایشان بر اساس منافع فردی تصور می‌شود (نظریه ی مبادله) بنابراین برخی بر این اعتقادند که آنچه ثبات خانواده را موجب می‌شود، درک افراد درون خانواده از این موضوع است که چقدر به اهداف و خواسته‌های شخصی خود دست یافته‌اند.

برآیند نهایی تحقیق حاضر بیانگر آن است که در دو گروه زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، عوامل زمینه ساز و تسهیل کننده در تداوم و پایداری زندگی مشترک تا حدودی متفاوت است. به نظر می‌رسد که حضور فرزند و تجارب و عملکردهای ناشی از آن بر نتایج هر دو گروه تأثیرات متفاوتی داشته‌است؛ چرا که زوجین دارای فرزند به‌طور مثال در خصوص عامل مدیریت و تصمیم‌گیری حداقل امتیاز را به مدیریت تعارضات داده‌اند. در حالی که زوجین بدون فرزند آن‌را مهم تر قلمداد نموده‌اند. این امر می‌تواند بیانگر تأثیر فرزند بر اختلافات فی مابین زوجین و داشتن هدف مشترک باشد و بر همان اساس نیز ملاحظه می‌شود که زوجین دارای فرزند به سرمایه منقول و غیرمنقول به سبب وجود فرزند اهمیت بیشتری داده‌اند چرا که اکثر آنان در تم اصلی علل اقتصادی، ثروت را عامل مهمی قلمداد می‌کنند و هم و غم والدین بر تأمین نیازهای فرزندانشان برای زندگی بهتر است و آن‌را به‌عنوان عامل تداوم ذکر کرده‌اند و در عین حال انتخاب مولفه آینده‌نگری و پذیرش تعهد، برای آنان در ارتباط متقابلی قرار می‌گیرد. درحالی که

زوجین بدون فرزند، ضمن تأکید بر آینده‌نگری، بیشتر بر عوامل اقتصادی نظیر اشتغال، درآمد و غیره، متمرکز بوده‌اند و عملکرد مسئولیت برای آنان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌است. همچنین زوجین دارای فرزند با توجه به گستردگی نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده، درک متقابل را مهمترین عامل دانسته‌اند و سایر عوامل را نیز دارای اولویت یکسان شمرده‌اند. در حالی که در زوجین بدون فرزند ملاحظه می‌شود، مهارت‌های گفتاری مورد تأکید برای برقراری ارتباط، شناسایی نشده‌است. لیکن گذشت و فداکاری با توجه به فقدان فرزند، از اولویت بیشتری برخوردار بوده‌است. (جدول شماره ۶) در ادامه می‌توان نتیجه‌گیری کرد، آینده‌نگری از درجه اهمیت بالایی برای هر دو گروه از زوجین برخوردار است. لذا ضروری است، قبل از ازدواج افراد از انتظارات، برنامه‌ها و اهداف آینده یکدیگر شناخت کافی داشته باشند زیرا، در شروع زندگی مشترک ممکن است افراد از روی هیجان و احساسات تصور کنند، حاضرند با تمام انتظارات و توقعات هم کنار بیایند؛ اما با گذشت زمان و پیگیری اهداف ذهنی، زوجین متوجه تفاوت‌ها و ناتوانی‌های خود در تحقق خواسته‌ها و انتظارات هم می‌شوند. لذا مشاوره قبل از ازدواج به شفاف‌سازی این موارد کمک کرده و می‌تواند فرد را به انتخاب آگاهانه نزدیک کند. علاوه بر آن در تم اصلی فشار جمعی و محیطی و مسئولیت‌پذیری زوجین، در هر دو گروه امتیازهای بالایی بر اساس تم‌های فرعی ثبت شده‌است. در جامعه‌ای که در حال گذار از شکل سنتی به مدرن است، بدیهی است که مردم بخش‌هایی از سنت را حفظ نموده‌اند. در این راستا ابزارهای مدرن مانند: شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، که امروزه در دسترس همگان است و به سرعت می‌توان از آن اطلاعات کسب کرد، تبدیل به فضای بیم و امید و یا به بیانی، تهدید و فرصت گردیده‌است. این رسانه‌ها می‌توانند فرهنگ مخاطب را به شکل نامحسوس تغییر دهند و امروزه گاه باعث از بین رفتن قبح خیانت و طلاق و ناپایداری خانواده شده‌اند. لذا اصحاب رسانه باید در راستای سالم‌سازی فرهنگی و اهمیت حفظ خانواده گام‌های اساسی بردارند. این ضرورت در تم فرعی تعهد به خصوص در زوجین دارای فرزند مشاهده می‌شود. در نهایت تم فرعی عشق در هر دو گروه از زوجین، یکی از مهم‌ترین دلایل پایداری زندگی زناشویی است که، علاوه بر آن، بر تم اصلی کیفیت زناشویی اثر گذاری مثبت دارد. وجود علاقه و محبت می‌تواند باعث

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

بروز سلامت جسم و روح در زوجین گردد و تاثیرات مثبت زیادی دارد از جمله، می‌تواند به زوجین کمک کند تا در برابر چالش‌ها، مقاوم‌تر باشند و روابط پایدارتر و سالم‌تری داشته باشند. از آنجایی که خانواده، اولین خاستگاه جامعه‌پذیری انسان است، برای داشتن جامعه‌ای سالم نیازمند خانواده‌های پایدار و سالم هستیم. در این راستا ضمن به‌کارگیری آموزه‌های دینی و اسلامی و مهمترین آن قرآن کریم، به‌عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، و با توجه به این که بخش عظیمی از آیات به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص یافته است، رجوع به آیات الهی، می‌تواند انسان را در جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. از طرفی امید است برنامه‌ریزان با توجه به تفاوت‌ها در دلایل پایداری زندگی مشترک بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، بتوانند گام موثری در جهت تنظیم و تدوین برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای کاربردی به زوجین در مسیر ثبات خانواده‌ها بردارند.

فهرست منابع

بهارى، زهرا. (1394). نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، 6(2)،
https://qccpc.atu.ac.ir/article_4212.html. 126-145

پولادی، اسماعیل؛ جهانبخش، اسماعیل؛ محمدی، اصغر. (1398). تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، 12(1 و 2)، 29-8.

https://soc.garmsar.iau.ir/?_action=press&lang=en&lang=fa
حسن زاده، صالح. (1393). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، 4(15)، 68-45.
https://rjqk.atu.ac.ir/article_1030.html

حسینی، مریم. (1390). رابطه سبک‌های مقابله‌ای با صمیمیت و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی].

قزلباشیان، زهرا؛ عارفی، مختار. (1394). صمیمیت زناشویی و خرسندی زناشویی در زنان نابارور و عادی. *مجله تحقیقات بالینی در علوم پیراپزشکی*، 4(4)، 367-360.

<https://brieflands.com/articles/jcrps-82078>
کاوه فارسانی، ذبیح‌اله؛ رجبی، غلامرضا؛ امان‌الهی، عباس؛ خجسته‌مهر، رضا. (1399). تدوین مدل بومی کیفیت زناشویی: پژوهشی کیفی بر اساس نظریه زمینه‌ای. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، 1(21)، 71-60.

https://jsr-p.isfahan.iau.ir/article_667694.html

پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم/شماره یکم / بهار ۱۴۰۳
Journal of Sociological Researches, 2024 (Spring), Vol.18, No.1

مدیری، فاطمه؛ قاضی طباطبایی، محمود (1397). بررسی تاثیر کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری. *جامعه‌شناسی نهاد‌های اجتماعی*، 5(12)، 73 – 94.

https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_2133.html

موسوی، سیده فاطمه؛ دهشیری، غلامرضا (1394). نقش فاصله بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران. *مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، 13(2)، 93 – 110.

https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_2051.html

نصیری دهسرخ، راضیه؛ دهشیری، غلامرضا؛ عامری، فریده (1397). رابطه دلایل ادامه زندگی مشترک با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی. *مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، 16(2)، 191 – 210.

https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_3698.html

نعیمی، ابراهیم؛ سعیدی، میلاد؛ کاظمیان، سمیه (1397). مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک فرزند با زوجین دارای بیش از دو فرزند در خانواده‌های تهرانی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، 1(27)، 161 – 172.

https://fcp.uok.ac.ir/article_61276.html

یوسفی، ناصر؛ باقریان، مهرانوش (1390). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیش-بین زوجین متقاضی طلاق و مایل به ادامه‌ی زندگی مشترک، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، 1(3)، 284 – 301.

https://fcp.uok.ac.ir/article_9459.html

Clark, A. E., E. Diener, Y. Georgellis and R. E. Lucas. (2008). Lags and leads in life satisfaction: A test of the Baseline Hypothesis. *The Economic Journal*, 118(529), 222 – 243. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0297.2008.02150.x>

Lainiala, L (2011). The impact of relationship quality on childbearing in Finland. *Finnish Yearbook of Population Research*, 46, 31 – 47. <https://doi.org/10.23979/fypr.45064>

Sanders, K. M (2010). Marital satisfaction across the transition to parenthood. Presented to the faculty of the graduate college at the University of Nebraska in partial fulfillment of requirements.

Zhaoyang, R., Martire, L. M., & Stanford, A. M. (2018). Disclosure and holding back: communication, psychological adjustment, and marital satisfaction among couples coping with osteoarthritis. *Journal of Family Psychology*, 32(3), 412 – 418. doi: 10.1037/fam0000390.

Vanassche, s., Swicegood, g & Matthijs, K. (2013). Marriage and children as a key to happiness? Cross-national differences in the effects of marital status and children on well-being. *Science & Business Media B. A*, 4(2), 23 – 31. DOI: 10.1007/s10902-012-9340-8

Vibha P, Saddichha S, Akhtar S. (2012). Quality of life and marital adjustment in epilepsy and comparison with psychiatric illnesses. *Int J Psychosoc Rehabil*, 7(23), 81 – 93. <https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e318288e298>